

جامعه‌شناسی فساد در ایران

جلال ایجادی



جامعه با گفتمان روحانی و دینی خود را آذین نموده است، ولی در اعماق خود مناسباتی را بین افراد رشد داده که ریا و فساد و گنبدگی از برجستگی‌های آنست. نظام ایدئولوژیک و دینی حاکم به اهرمی برای فساد بیشتر تبدیل شده است.

پدیده فساد سراسر جامعه ایران را فراگرفته است. در فرهنگ فارسی فساد بمعنی تباه شدن و متلاشی گشتن است. فساد یا "کروپسیون" در زبان فرانسه از نظر واژه شناسی ریشه لاتین داشته و بمعنای مضمحل شدن، گندیدن، چرک کردن میباشد. فساد انواع بسیار متنوع دارد مانند فساد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، اداری، زیست محیطی، اخلاقی، شخصی، که علل گوناگون دارند. بعلاوه علل مؤثر در شکل‌گیری و گسترش یک فساد، رابطه با دیگر فسادها دارند. فساد اداری با نظام فساد اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، ارتباط دارد. فساد اخلاقی افراد رابطه ای با فساد رایج در اجتماع و سقوط ارزش‌ها و انحطاط فرهنگی و فساد طبقه حاکم و مدیران جامعه پیدا میکند. بهرحال فساد زندگی قانونمند را دستخوش تباهی نموده و مناسبات گنبدگی را به قاعده رسمی تبدیل میسازد.

مطالعه تاریخ تمدن‌های باستان، بیانگر این است که فساد در جوامع بشری قدمتی به اندازه تمدن‌ها داشته و اکنون نیز یکی از مسائل مهم و اساسی در میان کشورهای جهان می‌باشد. موضوع فساد در تمام زمان‌ها، گریبانگیر دولت‌ها و جوامع و دغدغه فکری بسیاری از اندیشمندان و متفکران سیاسی بوده است؛ ارسطو در اثرش "درباره نسل و فساد" از فساد حرف میزند، دانته در قرن چهاردهم، در کتاب "کمدی الهی" خود به مسئله فساد توجه کرده و آن را از نظر درجه بندی در اعماق جهنم قرار می‌دهد. به عقیده ماکیاولی فساد جریانی است که طی آن، موازین اخلاقی افراد سست و فضیلت و تقوای آنان از بین می‌رود و آنجا که افراد سست گشته و از تقوا و پرهیزگاری دور میشوند، بیشتر در معرض فساد قرار می‌گیرند؛ از نظر او با کنترل این افراد، و نیز رهبری درست رهبران فکری و کمک دستگاه‌های ناظر، از بروز مشکل فساد باید جلوگیری کرد. مونتسکیو در تحلیل سقوط امپراتوری رم، فساد را روند تغییر انحطاطی یک نظام به رژیم

استبدادی میداند. او میگوید روند "فساد هردولت با فساد در اصولش آغاز میشود" و "جنایت بزرگی است زمانیکه یک وزیر، اخلاق یک ملت را فاسد میکند و روح بخشاینده را به سقوط میکشاند." در اثرش "روح القوانین"، او بویژه از فساد سیاسی سخن میگوید و برآنست هنگامیکه قدرت های میانی تضعیف میشوند راه به دسپوتیسم و استبداد هموار میگردد.

فساد سیاسی

فساد سیاسی یعنی سوء استفاده از قدرتی و مسئولیتی که به فرد واگذار شده است جهت منافع خصوصی و گروهی خاصی که در تناقض با هدف اعلام شده قرار دارد. منحرف کردن و نقض هدف واگذار شده بمنظور بهره وری شخصی و غیر شفاف. زمانی که فرد منتخب سیاسی به تشویق رفتار های مخالف منافع و مصالح عمومی پرداخته و باعتبار نفوذ و نیرنگ خویش و برای منافع خویش به رشوه دهی ورشوه گیری و یا تقسیم مسئولیت و اعمال قدرت میپردازد، به فساد درغلطیده است. نقض قانون، تقلب در انتخابات، نظام ارتقا افراد برپایه نزدیکی های مالی و خانوادگی، رفتار توطئه گرانه و مخفیانه، و شبکه های نفوذی برای کسب و حفظ امتیازات از جمله عملکردها در زمینه فساد است. به بیان دیگر سوء استفاده از قدرت سیاسی و سازمانهای دولتی در جهت اهداف شخصی و نامشروع را فساد سیاسی می گویند. فساد سیاسی به معنای راه یافتن فساد در سیاست و دستگاه حکومت است. در بسیاری از موارد فساد سیاسی و قدرت سیاسی همزاد یکدیگرند، به عبارت دیگر فساد سیاسی زاییده قدرت سیاسی و یا درزیر چترآن رشد میکند. ژان ژاک روسو بر این باور است که فساد سیاسی نتیجه مسلم کشمکش و تلاش بر سر کسب قدرت است و این فساد خود رادر نظام اداری و دستگاه بوروکراسی، رجال سیاسی، احزاب سیاسی و دستگاه قضایی کشور نمایان میسازد. فساد قانونی چیست؟ وضع قوانین تبعیض آمیز به نفع سیاستمداران قدرتمند و طبقات مورد حمایت حکومت را فساد قانونی می گویند. برای نمونه قوانینی که برخلاف منافع عمومی بوده و بدون هیچگونه توجیه اقتصادی و یا اجتماعی جدی، انحصار تصاحب، خرید، فروش، بهره برداری یا تولید را به یک فرد یا گروه از افراد اختصاص می دهند، بیانگر این نوع فساد میباشد. بعلاوه قوانین مبهم و شکاف دار وجانبدار که زمینه را برای دزدی و اختلاس، ارتشاء ورشوه خواری، رانت خواری نفتی و منابع طبیعی و زمین خواری و... فراهم می کند نمونه های بارزی از فساد قانونی است.

در زمان سقوط شوروی اغلب کادرهای حزب کمونیست با توجه به موقعیت

خود با بنگاه‌های خصوصی و شبکه‌های مافیائی وارد مذاکره و بده و بستان شدند تا از امتیاز حزبی و سیاسی خود به امتیازات کلان مالی و اقتصادی دست یابند. رهبران حزب کونیست چین که بنا بر تعریف حافظ منافع عمومی اند با سوء استفاده از موقعیت خود به کسب ثروت اندوزی کلان دست زده اند و در حال حاضر بسرعت به ثروتمندان نوحاسته تبدیل میشوند. در جوامع غربی کمک‌های مخفی مالی هنکفت شرکتهای بزرگ به برخی رهبران حزبی و احزاب در هنگام انتخابات یکی از فسادهای رایج در این زمینه میباشد. در ایران رهبران جمهوری اسلامی برای حفظ ولایت فقیه و تقویت امتیازات مالی و سیاسی خود پیوسته به تقلب در انتخابات و اعمال نفوذ در شرکت‌های مالی و مال اندوزی کلان و غیر شفاف پرداخته اند. اغلب رهبران حکومت اسلامی حسابهای بانکی کلان دارند و از "بهشت‌های مالی" بهره میبرند. هیات حاکمه برای پنهان نمودن فساد سیاسی و مالی خود بطور مرتب به سانسور و سرکوب دست زده تا از تحقیق و اشاعه اخبار جلوگیری نماید. تمامی روزنامه‌ها و رسانه‌ها زیر کنترل دستگاه سانسور است و روزنامه‌نگاران متعددی زیر فشار و سرکوب قرار دارند. بر اساس گزارش روزنامه‌نگاران بدون مرز از نقطه نظر رعایت آزادی مطبوعات، در روی لیست ۱۷۹ کشور در جهان، ایران در رتبه ۱۷۵ قرار دارد. به بیان دیگر سیاه‌ترین سانسورها در ایران پیاده میشود تا منافع هیات حاکمه حفظ گردد. در واقع استبداد ننگهبان فساد است. در فساد سیاسی دولت فاقد بیطرفی بوده و تمام تصمیمات آن جانبدار است و تفکیک سه قوه بطور کامل مخدوش میباشد. دستگاه دولتی تابع معیارها و منافع سیاسی و ایدئولوژیک و دینی حاکمان و خانواده‌ها و شبکه آنها بوده و اغلب منافع عمومی پایمال میگردد. استبداد ولایت مطلقه فقیه هر عملکردی را تابع خود ساخته است.

فساد اقتصادی و مالی

ریشه فساد اقتصادی در سوء استفاده از قدرت و سوء استفاده از موقعیت انحصاری است که به برخی اجازه میدهد تا برای منافع اقتصادی از بازار و اقتصاد سوء استفاده کنند. این سوء استفاده زمانی روی میدهد که منافع سیاسی و بوروکراتیک و اقتصادی با نظام رشوه‌دادن و رشوه‌گیری و ثروت اندوزی غیر مشروع همسومی شوند. سوء استفاده مالیاتی و مالی در زمینه قراردادهای بازرگانی و سرمایه‌گذاری و نظامی از جمله اشکال ثروت اندوزی شخصی و یا جمعی غیر قانونی و غیر شفاف است. در اینجا رابطه سه‌گانه وجود دارد. افرادی سیاسی و اداری و و اقتصادی به توطئه مشترک دست میزنند.

سیاستمدار در جستجوی قدرت سیاسی است، مدیر اداری در پی تقویت و حمایت از قدرت خود است و فردی که برنده اصلی فساد اقتصادی است با اتکا به این دوگروه به اهداف خود میرسد. در همه کشورها این پدیده وجود دارد. فروش اسلحه شرکتهای بزرگ و پرداخت رشوه به افراد رابطه و سیاسی و کارچاق کن، زد و بند شرکتهای داروئی با برخی سیاستمداران، ویا در ایران انحصار واردات کالاها در دست شبکه سپاه و محافل نزدیک به قدرت و نیز سدسازی های غیر لازم و غیر تخصصی در ایران توسط شرکتهای وابسته به سپاه و فساد سیاسی و مالی وابسته به آن، از جمله نمونه های این فساد میباشند. در ایران آخوند و کارخانه دار و سیاستمدارونظامی در همسوئی منافع خود بطرز مخفیانه و غیر قانونی به ساخت و پاخت پرداخته و توطئه میکنند و هیچگونه حساسی به شهروند ایرانی پس نمیدهند.

در ایران یکی از بزرگترین پرونده ها، دادگاه فساد اقتصادی کشور مربوط به متهمی در دهه ۷۰ شمسی به نام «فاضل خداداد» به اتهام تبانی با کارمندان بانک صادرات و ۱۲۳ میلیارد تومان اختلاس از این بانک بود که در نهایت با حکم محسنی‌اژه‌ای به اعدام محکوم شد. وی نخستین مجرم اقتصادی اعدامی در تاریخ جمهوری اسلامی بود که تا سال ۱۳۸۹ رکورددار اختلاس بود. مرتضی رفیقدوست برادر محسن رفیقدوست دیگر متهم این پرونده نیز به حبس ابد محکوم شد. در سال ۱۳۹۰ ماجرا و دادگاه فساد سه هزار میلیارد تومانی نقطه اوج فساد در حکومت اسلامی است. این دادگاه حکم اعدام چهار نفر از محکومان از جمله «مه‌آفرید امیرخسروی» مدیرعامل شرکت توسعه سرمایه گذاری را تایید کرد و سه نفر دیگر از هیات مدیره شرکت گروه ملی فولاد ایران واز مسئولان بانک صادرات جزو محکوم شدگان قرار گرفتند. اتهام اصلی این محکومان «افساد فی الارض از طریق اخلال در نظام اقتصادی کشور» بود که در کنار این عنوان اتهامی، نامبردگان به اتهام‌های دیگری از جمله ارتشاء، اختلاس، کلاهبرداری، تحصیل مال نامشروع، پولشویی، جعل و استفاده از اسناد مجعول و صوری متهم شده بودند. فساد افرادی از خانواده های حاکم حکومتی مانند خانواده خامنه‌ای، هاشمی رفسنجانی و لاریجانی نمونه دیگری از فساد مالی و اقتصادی در ایران است. باغهای پسته ۳۴۲ هکتاری غصبی جواد لاریجانی در ورامین و حفر ۷۲ چاه عمیق غیر قانونی که منجر به خشک شدن زمینهای کشاورزان منطقه شده و تمام حقه بازیهای حمایتی قوه قضائیه که توسط برادرش اداره میشود، نشانه کوچکی از فساد مالی و اداری هیات حاکمه در ایران است. تعداد ۷۶۵۰ قراردادی که ۸۱۲ شرکت وابسته به سپاه پاسداران با دولت بسته اند فقط بر پایه ساخت و پاخت با ارگانهای دولتی و

اشخاص قدرتمند سیاسی صورت گرفته و فاقد هرگونه شفافیت بوده اند.

فساد اداری

در فساد اداری تعهدی نمی‌شکند یا نقض نمی‌شود، ابزار اداری در خدمت نیاز فرد قرار می‌گیرد. فساد به عنوان پاداشی نامشروع که برای وادار کردن فرد به تخلف از وظیفه تخصیص داده می‌شود. فیلسوفان دوره روشنگری قرن هجدهم و نظریه پردازان دولت دموکراتیک در قرن نوزدهم تعریف خویش از فساد اداری را چنین ارائه نمودند: "سوءاستفاده مقام اداری از وجوه عمومی به منظور افزایش درآمد به طور غیرقانونی." در واقع میتوان گفت فساد اداری بمعنای "سوء استفاده از قدرت دولتی به خاطر نفع شخصی" میباشد. کارل گونار میردال استاد سوئدی مسائل حقوقی و برنده جایزه نوبل ۱۹۷۴ برآنست که فساد به تمام شکل‌های گوناگون انحراف یا اعمال قدرت شخصی و استفاده نامشروع از مقام و موقعیت شغلی قابل اطلاق است. برخی فساد اداری را ناشی از حرص سیری‌ناپذیر انسان می‌دانند. این امر بدان معناست که هنجارهای قانونی و رسمی موجود مرتب مورد دستبرد قرار گرفته و برای منفعت رسانی به گروه‌های خاصی پایمال می‌گردند. "هیدن همیر" محقق علوم سیاسی فساد اداری را به سه گونه تقسیم می‌کند:

فساد اداری سیاه: اقدامات و تصمیماتی که از نظر دولت و مردم مورد انتقاد می‌باشند. کلاهبرداری‌های بزرگ اداری نمونه اینگونه فساد است.

فساد اداری خاکستری: اقدامی که از نظر دولت محکوم است ولی جامعه نسبت به آن بی تفاوت است. عدم پرداخت مالیات توسط مردم از جمله اقدامات در این زمینه است.

فساد اداری سفید: اقدامی که بطور رسمی مخالف قانون است ولی انجام آن از نظر دولت و جامعه زیاد با اهمیت نمی‌باشد. پارتی بازهای رایج اداری در این گروه اقدامات جای دارند.

از نظر دور نباید داشت که فساد سه گانه بالا با ابعاد گوناگون زیر ترکیب شده و بروز میکنند. یکم فساد خرد یا اخذ رشوه‌های خرد از جانب اغلب کارکنان دولتی که در شرایط مشکلات زندگی برای کسب درآمد بیشتر صورت می‌گیرد. دوم فساد سازمان یافته که پایه نظام و کارکرد آنست و در این حالت مقررات و قواعد اداری، هنجارهای رفتاری و سازمانها با فساد منطبق می‌گردند. سوم فساد بزرگ که بیان عملکرد مسئولان مهم دولتی و سیاستمداران بوده که برای کسب سودهای کلان در قراردادهای بزرگ کشوری و بین المللی اعمال نفوذ میکنند.

در آخرین آماری که "سازمان ترانسپارانسی بین المللی" درباره فساد اداری منتشرساخت ۱۷۸ کشور مورد ارزیابی قرارگرفته اند. با معدل ۹.۳ کشور دانمارک در راس کشورهای غیر فاسد قرار میگیرد. ایران با معدل ۲.۲ در ردیف ۱۴۶ قرارگرفته و بعلاوه طبق این آمار طی سالهای ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ معدل ایران سقوط کرده و از ۳ به ۲.۲ کاهش یافته است. سقوط ایران در لیست فساد اداری در کشور

سقوط ایران در لیست فساد اداری در کشور

2010	2009	2008	2007	2006	2005	2004
2.2	2.3	2.5	2.7	2.9	2.9	3

بمعنای دیگر نظام اداری ایران در جمهوری اسلامی به لحاظ افزایش سوء استفاده های گوناگون از نظام اداری دولتی بمنظور ثروت اندوزی شخصی فاسد ترگشته است. سقوط ارزش های اخلاقی، رشوه خواری ریز و درشت، برتری دادن به منافع دینی و گروهی، عدم شفافیت، فقدان قانون و نبود اراده سیاسی در مبارزه علیه فساد، از جمله مشخصات نظام مبتلا به فساد میباشد.

فساد اداری عبارت است از مجموعه تصمیمات، طرح‌ها، شیوه ها، کارها، گزینش ها، و روابطی که توسط کارمندان در محیط و نظام اداری برخلاف منافع عمومی کشور و گاه برخلاف قوانین حاکم بر جریان امور اداری و برخلاف اهداف و منافع جامعه به وقوع می‌پیوندد و موجب تباهی شفافیت و منافع عمومی میشوند. مسخ معیارهای حرفه ای، نفی لیاقت ها و مسلط نمودن ملاک دینی و ایدئولوژیک و دفاع منافع و امتیازات گروههای اجتماعی و اداری خاص، از ویژه گی های این فساد است. بهره گیران از این فساد اداری، در جستجوی امضاء مدیران و بوروکرات ها ریز و درشت هستند تا تامین منافع کنند. این امضاء ها با رشوه و امتیازات گوناگون گره خورده و هرگونه عدالت و بیطرفی اداری را نابود میکنند، هنجار شکنی را افزایش داده و روحیه تخطی از هرگونه قواعد اجتماعی را افزایش میدهند. البته باید در نظر داشت که در جمهوری اسلامی بسیاری از قوانین و قواعد نادرست و غیر دمکراتیک و دین مدارو حافظ منافع سیستم ولایت فقیهی است. بنابراین از بنیاد فساد "قانونی" در برابر دمکراسی نهادینه شده است. ولی آنجا که قواعد به عملکرد عادی جامعه بر میگردد نیزمانند تخلف در قواعد رانندگی و کنکور دانشگاهی و یا تقسیم ارث، در فضای فساد آلوده، تاب تحمل نیاورده و قربانی رشوه و ساخت و پاخت میگردد.

فساد اجتماعی

فساد اجتماعی بمعنای تخطی از قانون و هنجارهای اجتماعی و مدنی بوده و ودر پی پاسخ به منافع خاص فردی ویا گروهی میباشد. تقلب و سودجویی شخصی منجر به تخریب هنجارهای جامعه شده و تعادل جامعه را برهم میزند. این فساد در تمامی زمینه و بخش ها رخنه کرده و نقض قانون و ارزشهای هم بستگی اجتماعی از مشخصات آن است. تبهکاری و دزدی، باجگیری ورشوه خواری اداری، توسعه شبکه فحشا و مواد مخدر، احتکار و قاچاق محصولات، سوءاستفاده از نفوذ برای وردیه دانشگاه و کسب مدارج شغلی، زمیخواری و ارث خواری، پول پرستی و دوز و کلک در اجتماع و خانواده، عوامفریبی های مذهبی و تظاهر به رفتارهای دینی، چاپلوسی و دروغگوئی و نقض ارزش های انسانی از جمله اشکال این فساد اجتماعی است. این فساد مجموعه روندهای عمکرد عادی و قانونی جامعه را برهم ریخته و عدم اعتماد و نگرانی را باوج می رساند. برای "مارسل ماس" این فساد یک پدیده اجتماعی کامل است بدان معنا که فساد تمامی جامعه و نهادها رازیر سؤال میبرد و آنرا سست میکند. در ایران بنا بر گزارش سازمان عفو بین المللی در سال ۲۰۱۱ تعداد ۳۶۰ نفر اعدام شدند. مطالعات نشان می دهد که سن فحشا در ایران به ۱۰ سال کاهش یافته است. آماردولتی نشان می دهد که سرقت، ایراد ضرب و جرح، ایجاد صدمه، توهین، نگهداری موادمخدر، استعمال مواد مخدر، تهدید، تخریب، صدور چک بلامحل و حمل موادمخدر ۱۰ جرم اول کشور هستند. تهران، خراسان رضوی، اصفهان و فارس بیشترین حجم پرونده ها را دارا میباشند. سالانه ۶۰۰۰ دختر از خانه فرار می کنند که ۷۵ درصد از این دختران فراری وارد چرخه زندگی خیابانی می گردند و خطرات بسیاری آنان را تهدید می کند.

پاره گی و فساد اجتماعی را در یک فیلم میشود نگاه کرد. فیلم "یک خانواده محترم" از مسعود بخشی بیان سقوط کامل جامعه ایران است. آرش قهرمان فیلم پس از اتمام تحصیلات درفرانسه، به ایران میرود تا خانواده خود را ببیند و مشغول کار شود. کشف خانواده کشف جامعه است. خانواده ای مافیائی که برای تصاحب ثروت و ارث به جنایت دست میزند، شکنجه میکند، پاپوش درست میکند و به مسجد میرود. خانواده ای که از احتکار زمان جنگ فربه میشود ودر عین حال مراسم مذهبی اجرا میکند و همرنگ جماعت است. خانواده ای که اعضایش، هم بیمار روانی اند، هم کارچاق کن اند، وهم بساز و بفروش ویلاهای بسیار لوکس اند. این خانواده در جامعه ای است که مرتب در حال خودآزاری است، مرتب درحال شنیدن صدای اذان میباشد، مرتب سخنان خمینی وشعار

های جنگ در گوشش تکرار میشود، مرتب در خیابانش دعوا و شلوغی و غم است و مرتب در دانشگاه اش عناصر حزب الهی جاسوسی میکنند و استادان صادق و باسواد را عذاب میدهند ودانائی را خفه میکنند. فیلم داستان یک خانواده غیر محترم میباشد، خانواده ای که سمبول یک جامعه است، جامعه ای که در فساد و ناآگاهی و خودفریبی و عوامفریبی غرق شده و در انحطاط و مرگ غوطه ور است. جامعه ای دردناک. درخشش ها و پویائی جامعه زیر غبار فساد گم شده اند.

فساد زیست محیطی

فساد زیست محیطی بمعنای تخریب و دزدی منابع طبیعی و آلوده ساختن محیط زیست بمنظور کسب امتیازات مالی ومادی است. این هدف با نفی قانون و با نفی منافع و مصالح عمومی صورت میگیرد. افراد یا گروه و یا بنگاهی که درختان جنگلی را بدون اجازه قطع میکنند و برای استفاده خصوصی ومالی آنها را میدزدند، بنگاههای صنعتی که پساب های صنعتی و آلوده را در رودها و دشت ها رها میکنند تا هزینه جمع آوری و تصفیه ندهند، به تبهکاری در محیط زیست پرداخته و برخلاف منافع عمومی و ملی عمل میکنند. برپایه گزارش نهاد "ترانسپارانسی انترناسیونال" کشورهای که بطور عموم فساد بالاست میزان تخریب زیستبومی نیز گسترده است. برپایه همین گزارش شش کشوری که کمترین فساد محیط زیستی را دارند، فنلاند، دانمارک، زلاند نو، سوئد، کانادا، نروژ میباشد. (نشریه فرانسوی آلترناتیو اقتصادی، شماره ۱۹۰). همین نهاد بین المللی از دولت های اروپائی خواسته تا شرکت های صنعتی را زیر کنترل فشرده خود قراردهند و هرگونه تخلف آنان را درزمینه افزایش گازکربنیک که منجر به گرمایش زمین میگردد را مورد مجازات قرار دهند.

در ایران شرکتهای صنعتی خصوصی و دولتی زیادی هستند که بخاطر منافع اقتصادی خودو افزایش سودآوری خود آب و خاک را آلوده میکنند. شرکتهائی وجود دارندکه پساب شیمیائی مسموم خود را در دریاچه ارومیه و رود کارون و کشف رود رها میکنند، صنایع نفتی ایران زمین های گسترده ائی را با مواد نفتی آلوده نموده اند، کشتی های فعال در دریای مازندران و خلیج فارس پسابهای آلوده شیمیائی مواد نفتی خود را درآبها رها میکنند. در واقع تمامی این بنگاهها مرتکب جنایت زیست محیطی میباشدند ودولت اسلامی هیچگونه اقدام جدی برای مجازات تخلفات نمیکند زیرا مدیران دولتی خود آلوده اند.

فساد شخصی و اخلاقی

هرشخصی که از موقعیت و قدرت و نفوذ خود بازیریا گذاشتن قوانین برای امتیازات و منافع خود اقدام می نماید در عرصه فساد قرارمیگیرد. این فرد با استفاده از قدرت ریز و درشت خود میتواند از راه فریب، تهدید، دروغ، رشوه گیری به اهداف خود برسد. فردسیاسی و مدیر بانک، منتخب و نماینده مجلس و شهرداری، سندیکالیست و رهبر حزبی، مدیر و کارمند، پاسدار و پاسبان، کارفرما و تاجر، امام و آخوند، همه و همه که در نقض قانون حرکت میکنند و با پشت کردن به قوانین و گفتمان غیر قانونی و اخلاقی در تلاش برای معامله و سودجوئی هستند در کردار فساد غوطه ور میباشند. اینان در هر اقدامی خدا و پیغمبر و عباس و ابوالفضل و علی و حسین و رضا و امام زمان را به کمک میطلبند تا فرد طرف معامله را تحت تاثیر قراردهند. مداخله دادن "ناموس" و "توبمیری و من بمیرم" و جان خود و جان بچه را به گروگان گذاشتن شیوه توام با احساس است تا فریبکاری در ذهنیت خرافه گرا و ساده لوح بسرعت عمل کند. این قسم خوردن ها بیان صداقت و اطمینان نیست بلکه بیانگر شگردها و سقوط اخلاقی و اتیک فرد است. شخص فاسد بی اخلاق است، هرزه است، معامله گراست، حراف است، آب زیرکاه است، کلک است، حریص است.

فساد اخلاقی بمعنای انحطاط در ارزش و سقوط اخلاق و اتیک در جامعه است. اخلاق دین نیست، اخلاق بدون دین همیشه وجود داشته است و ستون مناسبات در اجتماع است. اخلاق و اتیک با دین یکسان نیست زیرا دین به آسمان توجه دارد و خوشبختی انسان در بندگی اونسبت به خدا میداند و اخلاق به زمین و مناسبات رفتاری برای زندگی مشترک توجه دارد. اخلاق مدرن میگوید به زن احترام بگذار و برابری زن و مرد یک اصل است و دین میگوید نزدیکترین فرد بخدا و محترمتترین فقط مسلمان مرد است. اخلاق اجتماعی، اصول همزیستی در یک گروه و جامعه را اساس میداند حال آنکه دین میگوید برای اسلام جهاد کنید و کفار را بکشید. البته همسوئی میان دین و اخلاق نیز وجود دارد و انسانها باعتبار آن میتوانند کردار زشت خود را مهار کنند. در ایران از آنجا که حاکمان نمونه های برجسته دروغ و نیرنگ و دزدی میباشند و در ضمن اعتقاد خود را پیوسته به اسلام اعلام نموده اند بنابراین قدرت سیاسی و حاکمان و حتا دین از تقدس خارج شده و دیگر عامل محکمی در تقوا بشمار نمی آید. دین اسلام به عملکرد اولیه خود بعنوان نیروی محرکه برای سلطه گری و جمع آوری غنائم باز گشته است. بعلاوه کردار فساد انگیز مسئولان و مدیران و اشخاص گوناگون

فضای ناسالمی از الگوهای منفی و غیر اخلاقی بوجود آورده و فشارهای جامعه و ناتوانی فرهنگی افراد، فساد را تشویق نموده و بطور بیسابقه افزایش داده است. درایران فساد با مذهب درهم آمیخته و بطرز شدید اصول اخلاق اجتماعی را رو بنابودی قرارداده است.

نکته آخر

اکثریت جامعه ایران در فساد سیاه و خاکستری و سفید شریک هستند و شیرازه جامعه روی آن بنا شده است. جامعه با گفتمان روحانی و دینی خود را آذین نموده است، ولی در اعماق خود مناسباتی را بین افراد رشد داده که ریا و فساد و گنبدیدگی از برجستگی های آنست. نظام ایدئولوژیک و دینی حاکم به اهرمی برای فساد بیشتر تبدیل شده است. جمهوری اسلامی و مجموعه عملکردهای آن مهمترین عامل فساد انگیز در ایران است. طبقات اجتماعی و گروهبندهای اجتماعی در فضای الگوساز این رژیم خوکرده و تربیت یافته اند. از یکسوطبقات حاکم در حین جنگ با یکدیگر با سرعت در حال جمع آوری ثروت و غنائم بوده و همپیمان با آنان، شبکه های سیاسی و دولتی و نظامی گوناگون، در استراتژی مشترک قدرت مالی و سیاسی فعالند و برای آرامش جامعه مرتب به تلاوت آیات قرآنی مشغولند. از سوی دیگر نزد شهروندان منطق و قانونگرایی بسیار ضعیف گشته و هرکسی با پارتی بازی و رشوه دادن در جستجوی بیرون کشیدن گلیم خود است. اینان همه علیه یکدیگر میزنند و توطئه میکنند و موفقیت مادی امروزی آنان تنها ملاک زندگی و خوشبختی اشان است. تمایل به این رفاه و تقدیرگرایی و خرافات و راحت طلبی مصرفی و قانون بی قانونی، رمق آنها را برای تغییر کاهش داده است. این تنبلی و لم دادن بویژه در زمانیکه نخبگان با شهامت و با شخصیت ولایتیک در میدان غایب میباشند، سنگین تر شده است. علیرغم ستمگری استبداد اقشار میانی به تنگ نیامده اند و علیرغم درد و فلاکت زمینی اشان، اقشار زحمتکش بیشترچشم به معجزه و رحمت آسمانی بسته اند.

پاریس ۲۴ آوریل ۲۰۱۳

idjadi@free.fr